بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (مورد مطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی)*

علیرضا عابدین‌زاده[۱] دکتر اصغر محمدی[۲] دکتر اسماعیل جهانبخش[۳]

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (مورد مطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی) انجام شده است. مبانی نظری پژوهش با استفاده از رهیافت جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی و با تأکید بر نظریه‌های تئوری محرومیت نسبی تدرابرت‌گر، مانهایم، زیمل، وبر، بروس کوئن و مک‌لوهان تدوین شده است. این پژوهش مطالعه‌ای مقطعی و از نوع توصیفی بود. مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۸ و در میان ۵۸۰ نفر از نوجوانان ۱۸-۱۳ سال استان خراسان جنوبی که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی انتخاب شده بودند، انجام گرفته است. تحلیل داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی انجام شده است. تحلیل داده‌ها بر اساس ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی بوده‌است. نتایج نشان داد که میانگین شاخصهای تفاوت نسلی فرزندان ۹۱/۱ درصد، گروه همسالان ۸۶/۶ درصد و احساس محرومیت نسبی با ۸۶/۴ درصد بیش از سایر متغیرهای مستقل است. به‌ترتیب متغیرهای کنترل فرزندان (۷۳/۲ درصد)، میزان استفاده از رسانه‌ها(۷۳/۱ درصد)، سبک زندگی والدین(۷۲/۲ درصد) و مصرف‌گرایی فرزندان در ردیفهای بعدی قرار دارند. میانگین انتظارات فرزندان از والدین نیز ۵۹/۱ درصد است. رابطه میان متغیرهای تفاوت نسلی فرزندان با والدین، مصرف‌گرایی فرزندان، سبک زندگی والدین، گروه همسالان و میزان استفاده از رسانه‌ها با انتظارات فرزندان از والدین معنادار و مثبت بود و رابطه‌ای معنادار و معکوس میان متغیرهای احساس محرومیت نسبی در فرزندان و کنترل فرزندان از سوی والدین با انتظارات فرزندان از والدین وجود داشت.

کلید واژگان: انتظارات فرزندان از والدین، مصرف‌گرایی، تفاوت نسلی، سبک زندگی، گروه همسالان

☑ تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۰ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۶

* *این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.*

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. **Email:** R156_156@yahoo.com

۲. **نویسنده مسئول:** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. **Email:** Asghar.mo.de@gmail.com

۳. استادیار بازنشسته گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. **Email:** esjahan@yahoo.com

مقدمه

خانواده امروز با مجموعه‌ای وسیع از عوامل مانند فناوریها، جهانی‌شدن، گسترش آموزش و آموزش عالی، فراغتی شدن جامعه، رسانه‌ای شدن، زنانه شدن، مصرفی شدن، دموکراتیک شدن، شبکه‌ای شدن، مجازی شدن، زیبایی‌شناسانه شدن و دیگر فرایندهای عمومی تحول فرهنگ ارتباط دارد. البته می‌توان همهٔ این عوامل را نیز به‌نوعی بخشی از ویژگیهای جامعه شهری امروزی دانست. جامعه ایران نیز مانند جوامع دیگر از فرایندهای مذکور تأثیر پذیرفته است. این تأثیرات را در شهر تهران بیش از تمام شهرهای دیگر ایران می‌توان مشاهده کرد. اگر یک چیز و تنها یک چیز در جامعه شهری امروز ایران، به‌ویژه شهر تهران، واقعیت محض باشد آن امر «تغییر خانواده » است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵). تغییر خانواده و مناسبات آن موجب ظهور انسانی نو در جامعه ایرانی شده و روانکاوی ذهن جمعی ما در نتیجه این تغییرات در حال دگرگونی کامل است. تغییر خانواده هم معلول مجموعه‌ای وسیع از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و هم پیامدهای وسیع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. گسترش فناوریها، توسعه و تحول نظام اداری (دولت)، فرایندهای جهانی‌شدن و توسعه شهرنشینی را می‌توان عوامل بنیادینی دانست که هرکدام به‌صورت مستقل و همچنین مجموعه آنها در کنار هم، زمینه تغییر خانواده شهری امروز را فراهم کرده‌اند و همچنان این تغییرات را تسریع و تشدید می‌کنند (گیدنز[1]، ۱۳۹۰)

به نظر می‌رسد نوع جدیدی از خانواده‌ها در حال شکل‌گیری است و آن هم فرزندمداری است که با گونه‌های دیگر خانواده‌ها در تاریخ خانواده ایرانی متفاوت است. خانواده‌هایی که در آن فرزندان اهمیت محوری دارند ولی نتیجهٔ کاملاً به‌عکس به‌دست می‌آید، خانواده‌هایی فرزندمدارند. فرزندمداری با فرزندسالاری متفاوت است. سالار به‌معنای حاکمیت و قدرت است اما فرزندمداری به‌معنای اقتدار و مرکزیت است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵). ارتباط فرزندان و والدین در سالهای اخیر تغییرات بسیار کرده است. آنها در پی شراکت در امور خانه و تصمیمهای عمومی خانواده‌اند. امروزه خانواده‌های ایرانی در حال کسب تجربه‌ای جدید هستند که فرزندان کم‌کم در سازوکار خانواده مشارکت بیشتری داشته باشند و نقشی مهم‌تر پیدا می‌کنند. تبادل اندیشه‌ها، رفت و بازگشتهای فکرها، نظام پیشنهادها، گفتگوی عقلانیت از ویژگیهای خانواده‌های جدید است. هرکسی هر پیشنهادی که دارد مطرح می‌کند و برایش استدلال می‌آورد و از آن دفاع می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۳).

دگرگونیهای رخ داده در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که جوانان در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و اطلاعات آنان در دنیای پیشرفته در حال تغییر، موجب پیدایش پی‌درپی ارزشهای نو شده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاههای جدید آشنا شده‌اند و به‌همان میزان سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است (معیدفر، ۱۳۸۷).

1. Giddens

در جامعه معاصر، جهانی‌شدن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی خانوادگی از طریق استراتژیها و برنامه‌های ایجادشده توسط سیاستهای اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی‌تری یافته است. کمتر کسی است که باور به تغییرات خانواده نداشته باشد (لبیبی،۱۳۹۳).

در کنار این، به‌زعم برخی، با آنکه خانواده در حال حاضر بزرگ‌ترین پشتوانه جوان ایرانی است، اما همین خانواده درگیر آسیبهای اقتصادی و به‌نوعی آسیب اجتماعی است. در ایران باوجود همه تغییرات، هنوز خانواده سنتی و بسته است و انتظار آن را ندارد که جوان با شروع احساس استقلال در خود، خانواده را ترک کند، زیرا پیدایش حس استقلال با استقلال یافتن به‌صورت عینی برای جوان ایرانی همزمان نیست و بسیاری از جوانان به خاطر مسائل مالی تا سالها قادر نیستند استقلال واقعی پیدا کنند. همین وابستگی به خانواده به‌واسطه مسائل مالی منجر به یک سری کشمکشهای درونی و بیرونی بین جوان و خانواده می‌شود که بازتابهای متفاوتی دارد (سجادی؛ به نقل از کامران،۱۳۸۱: ۵).

با نگاهی اجمالی به جامعه کنونی درمی‌یابیم که تغییرات اجتماعی ناشی از مدرن شدن نوع انتظارات فرزندان از والدین را دچار تغییر و تحول کرده است. برابر پیش‌فرضها، انتظارات فرزندان درگذشته انطباق بیشتری با اهداف سنتی نهاد خانواده داشته و خانواده به سبب تأمین انتظارات طرفین بیشتر قرین توفیق بوده است و عوارضی همچون آسیب دیدن روابط فرزندان با والدین کمتر بوده است، اما در نسل جدید به سبب افزایش فردگرایی و دنبال کردن آرزوهای شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکلی خاص به خود گرفته است. پژوهش حاضر به این نکته توجه دارد که عوض شدن شیوه نگرش دختران و پسران به روابط فرزند-والد سبب عدم پیروی ایشان از والدین می‌شود. در حقیقت امروزه نهاد خانواده دستخوش بحران شده است، به‌طوری‌که از یک‌سو ناتوان از پاسخگویی به انتظارات جدید فرزندان از والدین است و از سوی دیگر نیز جایگزینی برای انتظارات جدید فرزندان ندارند. از همین‌رو به‌نظر می‌رسد که ارکان نهاد خانواده دستخوش تزلزل و تولید نارضایتی بوده و بحران خانواده را به دنبال داشته است (عابدین‌زاده و همکاران،۱۳۹۹). از این‌رو شناسایی تأثیر معیارهای انتظارات فرزندان از والدین از ضرورت ویژه برخوردار است.

استان خراسان جنوبی بافتی نسبتاً سنتی دارد و به نسبت سایر استانها واجد محرومیتهای بیشتری مانند نداشتن امکانات آموزشی، رفاهی و تحصیلی است، بنابراین به‌نظر می‌رسد باید انتظارات فرزندان از والدین در حد معقول‌تری باشد ولی تحول خانواده‌ها در چند دهه اخیر موجب شده است که خانواده‌ها در معرض تغییر انتظارات فرزندان قرار بگیرند. انتظاراتی که به‌نظر می‌رسد شکل سنتی خانواده را زیر سؤال برده است.

این استان همانند دیگر استانها در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته است، این تحولات به‌ویژه در خانواده‌ها چشمگیر بوده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، تغییر یافتن سبک

زندگی نوجوانان و جوانان اســـت که موجب شـــده خانواده‌ها در معرض چالشـــهای جدی قرار بگیرند. خانواده در جامعه آماری مورد پژوهش دارای ارزش والایی است و با توجه به بافت فرهنگی و سنتی که این استان دارد، محور اصلی جامعه و برطرف کننده نیازهای مختلف و متعدد است. لذا هر نوع حرکت یا رویدادی که در جامعه رخ بدهد، بر اثر دگرگونی خانواده اســـت، ضمن آنکه این تغییر آثار عکس نیز بر خانواده‌ها می‌گذارد.

مسئله اصلی پـژوهش حاضـر این اسـت که بدانیـم از لحاظ جامعـه‌شناختی چه عواملی با تـوجه به تغییرات روزافزون جامعه و متحول‌شدن نـوع ارتباطات والـدین و فـرزندان بر انتظارات فرزندان از والدین در اســـتان خراسان جنوبی مؤثر اســـت؟ با عنایت به اینکه ارکان نهاد خانواده دستخوش تزلزل و تولید نارضایتی بوده و بحران خانواده را در پی داشـــته، شناسایی تأثیر معیارهای انتظارات فرزندان از والدین از ضرورتی ویژه برخوردار است و پژوهش حاضر دارای اهمیت مطالعاتی است. هدف اصلی مقاله بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین است.

بررســـی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشهای اندکی درزمینهٔ عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (مورد مطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی) انجام شده است. از میان پژوهشهای مشابه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در زمینهٔ تأثیر احســـاس محرومیت نســـبی در انتظارات فرزندان از والدین، پژوهش حسینی‌امین و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده که اکثر شهروندان تهرانی پاسخگوی پژوهش (۷۲/۱ درصد) دارای احساس محرومیت نســـبی متوسط بوده‌اند. ناصری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود به بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناســـی خانواده و فرزندمداری در خانواده‌های ایرانی برحسب قدرت، جنسیت، تحصیلات والدین، میزان دموکراتیک و مســـتبد بودن پرداخته‌اند. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی بوده و حجم نمونه هم ۳۸۶ نفر بوده‌اند. نتایج نشان داده که میان متغیرهای جنسیت، قدرت، میزان دموکراتیک و مستبد و فرزندمـــداری رابطه وجود دارد. پروانـــه دانش و همکاران (۱۳۹۳) در مقالـــه خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران» به تحلیل داده‌های تجربی به منظور شناخت وضعیت شکاف نسلی در جامعه کنونی ایران پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که گرایش نوجوانان و جوانان به ارزشهای مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جاافتادگی آنها از نسلهای پیشین به‌مرور افزایش‌یافته است و در صورت نبود مدیریت صحیح فرایندهای فرهنگ‌پذیری نوجوانان و بازتولید فرهنگی جوانان، تعارضات نســـلی و در نهایت گسست نسلی آینده مسیر توسعه جامعه را به مخاطره خواهد انداخت. بر اساس نتایج پژوهش رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی ارتباط احســـاس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شـــهر تهران»، محرومیت نســـبی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر بوده است.

مطالعه حاجی‌زاده میمندی و یوسفی (۱۳۹۲) از نظر زمانی مقطعی و به لحاظ روشی از نوع پیمایشی

بود. یافته‌های این پژوهش نشـــان می‌دهد که میزان مصرف‌گرایی در میان زنان شهر یزد ۲۸/۶۸ درصد و از حد متوسط پایین‌تر است.

هدف اصلی پژوهش علیوردی‌نیا و ســـتاره (۱۳۹۲) بررســـی نقش خانواده، مدرســـه و همسالان در بزهکاری دانش‌آموزان شـــهر مشـــهد بوده است. روش تحقیق پیمایشـــی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیونـد با همسالان بزهکار به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندۀ بزهکاری نوجوانان است. اگر والدین دوستان فرزندانشان را بشناسند، ممکن اسـت بتواننـد روی رفتـار بزهکارانـــۀ فرزنـدان اثـــر معناداری داشته باشند. در پژوهش قدیمی و قاسمی (۱۳۹۱) درک و تصور پاسخگویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط رو به بیشتر قرار داشت.

معیدفر و صبوری خسروشـــاهی (۱۳۹۰) پژوهشـــی با موضوع «تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی» به روش پیمایش و با نمونه‌ای ۳۹۸ نفری انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که میان والدین و فرزندان تعارض وجود دارد. ۶۱ درصد از پاســـخگویان عدم تعارض و همســـو بـــودن با والدین را ابراز کرده‌اند و تنها ۲۳/۵ درصد در حد زیاد با والدین خود تعارض و ناهمسویی داشته‌اند. روابط میان متغیرها نشـــان‌دهنده آن اســـت که تعارض متأثر از عواملی مانند رشـــد فردگرایی، گرایش به نوگرایی و نگرش دموکراتیک بوده است. نتایج حاصل از مطالعه زارعی (۱۳۸۹) نشان داد که میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای ســـازنده و مخرب فرزندان به دلیل نقش برجســـته و با اهمیت والدین رابطه معنادار وجود دارد.

ستار[1] و همکاران (۲۰۱۰) طی پژوهشی در پاکستان تفکر محافظه‌کارانه، سیستم ارزشگذاری سنتی، رسانه و رایانه، جداشدن و اجتماعی شدن را عوامل اصلی شکاف نسلی بین فرزندان و والدین دانسته‌اند. بر اســـاس پژوهش شـــاپیرو[2] (۲۰۰۴) والدین تمایل بیشتری به ارتباط داشـــتن با فرزندان خود دارند، در حالی‌که ارتباط فرزندان بیشتر به سبب کمک گرفتن از پدر و مادرشان است. باکسر[3] (۱۹۸۴) بر اساس پژوهشـــی می‌گوید شـــیوه تربیتی فرزندمدارانه و کودک‌مدارانه بیشـــتر در میان اقشار متوسط معمول شـــده که جایگزین روش تربیتی ســـنتی است. این دو روش تربیتی بر این پایه استوارند که والدین باید با کودکشان حرف بزنند، برای او وقت بگذارند، با او بحث کنند، قانع‌اش کنند، مسائل را برای او توضیح دهند و به او امر و نهی نکنند (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

بر اســـاس پژوهش ســـودریک نوریده بورگ نظام تربیتی امروز بیشـــتر به تربیت شخصیت فرزند و به‌ویژگیهای شخصیتی او توجه می‌کند و او را به رسمیت می‌شناسد؛ بچه‌ها در بسیاری از تصمیم‌گیریها خانواده شریک‌اند و رابطه آنان با والدین کاملاً افقی، دوستانه و صمیمانه است (مهدوی، ۱۳۸۱). نیسن[4]

1. Sattar
2. Shapiro
3. Boxer
4. Nissen

(۱۹۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که یکی از ویژگیهای خانواده فرزندمدار مرتب کردن اتاق به‌دست مادر یا خدمتکار است و بچه‌ها نقشی در مرتب کردن اتاق خودشان ندارند. والدین بچه‌ها را بسیار حمایت می‌کنند و بچه‌ها مسئولیت کمتری در امور خانه دارند. در خانواده‌های فرزندمدار هرکدام از بچه‌ها اتاقی جداگانه و مخصوص دارند (نیسن، ۱۹۹۲:۱۹).

جمع‌بندی پژوهشهای پیشین نشان می‌دهد که در هیچکدام از این پژوهشها عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین بررسی نشده و تنها به تحلیل شکاف نسلی اکتفا شده است. همچنین در جامعه آماری مورد پژوهش یعنی نوجوانان استان خراسان جنوبی، تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

■ مبانی نظری

دگرگونی در خانواده، بحران روابط اعضای خانواده و کارایی کمتر تجربیات والدین و بزرگ‌ترها را در پی داشته است. برابر پیش‌فرضها، انتظارات فرزندان درگذشته انطباق بیشتری با اهداف سنتی نهاد خانواده داشته و از این رو خانواده به سبب تأمین انتظارات طرفین بیشتر قرین توفیق بوده است و عوارضی همچون آسیب دیدن روابط فرزندان با والدین کمتر بوده، درحالی‌که در نسل جدید به‌سبب افزایش فردگرایی و دنبال کردن آرزوهای شخصی هریک از فرزندان خانواده، انتظارات شکل خاصی به‌خود گرفته است. لنسکی معتقد است که یکی از علل مهم افت اقتدار سنتی خانواده را می‌توان مربوط به جهان‌بینیهای دموکراتیک جوامع جدید دانست که به‌طور معمول بیشتر بر حقوق فردی تأکید می‌ورزد تا بر مسئولیتهای گروهی (نولان و لنسکی[1]، ۱۳۸۳).

- **تفاوت نسلی فرزندان با والدین:** به عقیدهٔ مانهایم[2] اواخر نوجوانی و اوایل جوانی درواقع «سالهای شکل‌گیری» اصلی‌اند که طی آن دیدگاههای فردی مجزا و متمایز درباره سیاست و جامعه در سطح «زنده و نو» وسیعی رخ می‌نماید و فقط در این نقطه از چرخهٔ حیات است که برخوردی با جهان اجتماعی - سیاسی شکل می‌گیرد که طی تاریخ بعدی زندگی فرد به‌ندرت تکرار خواهد شد. بر پایهٔ مفروضات نظری مانهایم، نسل منبعی خاص برای هویت ارزشی دانش‌آموزان است که در جریان کنش و تجربهٔ تاریخی مشترک شکل می‌گیرد و از رهگذر آگاهی و حافظهٔ جمعی تداوم می‌یابد. در این رویکرد، نسل به‌منزله جمعی است که با آگاهی خاص با مقولاتی همچون رفاه، عدالت، ناامنی و استثمار پیوند خورده است و در ذهنیت عموم افراد آن مفهومی آرمانی از مقولات مذکور وجود دارد و بر این اساس از آمادگی ذهنی و رفتاری خاصی که غالباً متفاوت از نسلهای قبلی است برخوردار است (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵).

1. Nolan & Lenski
2. Mannheim

◉ **مصرف‌گرایی:** زیمل[1] را می‌توان نخستین جامعه‌شناسی دانست که در زمینه جهان فراغت و مصرف‌گرایی طرح نظر کرده است. او در مقاله مد به انگیزه‌های درونی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری الگوی مصرف می‌پردازد و دلایل تعدد تغییر مد، چه در پوشاک، چه هنر، چه معماری و حتی آشپزی، موسیقی و... را از مظاهر فرهنگ مدرن جستجو می‌کند. او جهان مدرن را عصری عصبی ارزیابی می‌کند که در آن به‌خلاف گذشته عرصه انتخاب بسیار وسیع است و این تنوع انتخاب و تکثر گونه‌هاست که به افراد امکان می‌دهد که خود را از دیگران متمایز سازند (کیویستو[2]،۱۳۹۷). به‌نظر وبلن[3]، مصرف چشمگیر، تن‌آسایی، فراغت چشمگیر، نمایش چشمگیر و بلندپایگی ابزارهایی‌اند که انسانها می‌کوشند تا در چشم همسایگانشان برتر جلوه کنند. از نظر او همان‌طورکه فراغت خودنمایانه در اجتماعات کوچک، نشان تشخص و برتری بود، در جامعه شهری مدرن این «مصرف خودنمایانه» است که در خدمت هویت‌بخشی به جایگاه فرد است (کوزر[4]،۱۳۸۲).

◉ **محرومیت نسبی:** به عقیده وبر[5] رفتارهای جمعی متشکل از گروههایی از مردم‌اند که در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط اجتماعی مستقر به نحوی به نظام عقیدتی واحدی اعتقاد پیدا می‌کنند و بر اساس آن اعتقاد به‌صورت جمعی عمل می‌کنند و به‌وسیله پیام اجتماعی خود جامعه را بسیج می‌کنند (بشیریه،۱۳۸۱). تد رابرت‌گر[6]، در نظریه محرومیت نسبی خود بر این باور است که چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود، آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است. به‌این ترتیب، محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک‌شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و تواناییهای ارزشی (داشته‌های) افراد است. از نظر تد رابرت‌گر برای بررسی محرومیت نسبی می‌بایست هم انتظارات ارزشی (خواسته‌ها و بایدهای) افراد و هم تواناییهای ارزشی (داشته‌ها و هسته‌ای) آنها را در ذهنیات آنان جستجو کرد (سام‌دلیری،۱۳۸۲).

◉ **کنترل فرزندان از جانب والدین:** جامعه‌شناسانی چون جی هیلی[7] و مینوچین[8] ضمن تأکید بر ارتباطات، «سیستم» خانواده را مبین رفتار اعضای آن معرفی می‌کنند. جی‌هیلی به ساختار سلسله‌مراتبی خانواده تأکید می‌کند. به‌عقیده او تمام موجودات در یک سلسله مراتب قرار دارند، به شکلی که موجود نسبت به سطوح پایین‌تر خود سلطه دارد. خانواده نیز از نظم سلسله مراتبی برخوردار است. پدر قدرتمندتر از بقیه است. بعد از او همسرش و سپس کودکان به‌ترتیب سن جای دارند. هرگاه در این سلسله مراتب خدشه و اختلالی ایجاد شود، خانواده دچار مشکل می‌شود.

1. Simmel
2. Kivisto
3. Veblen
4. Coser
5. Weber
6. Ted Robert Gurr
7. Jay Haley
8. Minuchin

در این ساختار سلسله مراتبی خانواده، ارزش سیستمی مرد به خودمختاری، واقع‌بینی و استغنای طبع اوست. این در حالی است که ارزش سیستمی زن به احساسات و قدرت بیان اوست. ازآنجاکه ارزش سیســـتمی مرد در جوامع سرمایه‌داری بالاتر از زنان ارزیابی‌شده است، مردان در تمام روز سرکار می‌روند و زنان مشغول تربیت فرزندان می‌شوند (حکمت‌نیا و بهادری‌جهرمی، ۱۳۹۵: ۳۴)

- **گروه همســـالان:** نظریه‌های میـــد[1] و پیاژه[2] هر یک به حق بر اهمیت روابط همســـالان تأکید دارند. پیاژه به ویژه بر این واقعیت تأکید می‌کند که روابط میان کودک و پدر و مادرش اســـت. روابط همســـالان برپایه رضایت متقابل استوار است و بر پایه وابستگی نیست که ذاتی موقعیت خانوادگی است و ناچار باید میزان زیادی بده بستان وجود داشته باشد. همسالان بخشی از زندگی نوجوانان‌اند که نوجوانان را حمایت می‌کنند تا وارد جامعه شـــوند. همسالان به نوجوانان کمک می‌کنند تا تمرین الگوپذیری و نقش‌پذیری داشته باشند (گیدنز،۱۳۹۰). با توجه به اینکه روابط دوستی میان گروه همسالان گرایش به برابری‌طلبی دارد و یکی از ویژگیهای دوره نوجوانی ورود به گروههای دوســـتی است، گاهی این گروهها موجب فاصله نوجوان از زندگی خانوادگی و حتی گاهی موجب گسیختگی نوجوان از خانواده می‌شوند (گی روشه[3]، ۱۳۹۶ : ۱۸۶).
- **سبک زندگی:** از نگاه گیدنز مطالعه سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمـــی از رفتارها با الگوی کنش که افراد آنها را انتخاب کرده و کنششـــان در زندگی روزمره به‌واسطه آنها هدایت می‌شود (فاضلی،۱۳۸۲). در نظریه پساساختارگرایی سبک زندگی بر اساس رفتارهای مصرفی عینیت می‌یابند (نوع مصرف) زیرا مردم توانایی معناسازی، درک، تصمیم‌گیری و انتخاب رفتارهای مصرفی را دارند. دیگر اینکه افراد و گروهها به دلیل تفاوت در توانایی ادراک و به دلیل گزینشـــی بودن ادراک، امور مصرفـــی را در راهها و مقاصد گوناگون و متفاوت مصرف می‌نماینـــد (نحوه مصرف). همچنین پایگاههای اقتصـــادی - اجتماعی که در نتیجه موقعیتهای ســـاختاری ایجاد می‌شـــوند (وجه عینی) دارای رابطه متقابل با سبک زندگی یعنی نحوه رفتار و مصرف (وجه ذهنی) هســـتند. اشـــیا و رفتارهای مصرفی وجه عینی ســـبک زندگی هستند و ترجیحات تحقق‌یافته و ســـلیقه منتج از ادراک تصمیم‌گیری و گزینش امور وجه ذهنی ســـبک زندگی هستند (رحمت‌آبادی، ۱۳۸۳).
- **میزان اســـتفاده از رسانه‌ها:** مک‌لوهان[4] دنیای امروز را دنیای الکترونیک می‌داند. وی معتقد است محیط الکترونیکی عصر حاضر فضای قدیمی تصویری را که سالهاست به آن خو گرفته‌ایم

1. Mead
2. Piaget
3. Rocher
4. McLuhan

نامطبوع و بدون ارزش خواهد ساخت. در دنیای الکترونیک حوادث و اشیا و موجودات در یکدیگر فرو می‌روند، با یکدیگر رابطه پیدا می‌کنند، جداییها از بین می‌روند، تمایزات فراموش می‌گردد، شباهتها خودنمایی می‌کنند و بدین ترتیب محیط جدیدی به‌وجود می‌آید. محیطی که می‌توان آن را دهکده جهانی نامگذاری کرد (رشـــیدپور،۱۳۹۰). گسترش روزافزون رسانه‌های اجتماعی نـــه تنها تغییرات فرهنگی و اجتماعی قابل‌توجهی در جوامع ایجاد کرده، بلکه مفاهیم و نظریات رســـانه‌ها را نیز دچار تحول اساســـی کرده و چالشهای نظری جدیدی را پیش روی پژوهشگران نهاده است.

بر اساس مبانی نظری و چارچوب نظری، فرضیات هفتگانه عبارت‌اند از:

۱. بین تفاوت نسلی فرزندان با والدین و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۲. بین مصرف‌گرایی فرزندان با والدین و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۳. بین احساس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۴. بین کنترل فرزندان از طرف والدین با انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۵. بین گروه همسالان و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۶. بین سبک زندگی والدین با میزان انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان استفاده از رسانه‌ها و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.

جدول ۱. خلاصه مبانی نظری استفاده‌شده در مقاله

ردیف	فرضیه	نظریه‌پرداز	شرح نظریه
۱	● **بین تفـاوت نسلی فـرزندان با والدین و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.**	مانهایم	● نســل منبعی خاص برای هویت ارزشی دانش‌آموزان است که در جریان کنش و تجربهٔ تاریخی مشترک شکل می‌گیرد و از رهگذر آگاهی و حافظهٔ جمعی تداوم می‌یابد.
۲	● **بین مصرف‌گرایی فـرزندان با والدین و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.**	ـ زیمل ـ وبلن	● او جهـــان مدرن را عصری «عصبـــی» ارزیابی می‌کند که در آن به‌خلاف گذشته عرصه انتخاب بسیار وسیع است.
۳	● **بیـن احسـاس مـحرومـیت نسبی در فرزندان و انتظارات فرزنـدان از والـدین رابـطه وجود دارد.**	ـ وبر ـ تدگر	● رفتارهای جمعی متشـــکل از گروههایی از مردم هستند که در زمینه‌ای از نارضایتی نســـبت به محیط اجتماعی مستقر به نحوی به‌نظام عقیدتی واحدی اعتقاد پیدا می‌کنند و بر اســـاس آن اعتقاد به‌صورت جمعی عمل می‌کنند و از طریق پیام اجتماعی خود جامعه را بسیج می‌کنند. محرومیت نســـبی نتیجه تفاوت درک‌شـــده میان انتظارات ارزشـــی (خواسته‌ها) و تواناییهای ارزشی (داشته‌های) افراد است.

جدول ۱. (ادامه)

ردیف	فرضیه	نظریه‌پرداز	شرح نظریه
۴	بین کنترل فرزندان از طرف والدین با انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.	جی هیلی	از نظر او تمام موجودات در یک سلسله‌مراتب قرار دارند، به شکلی که موجود نسبت به سطوح پایین‌تر خود سلطه دارد. خانواده نیز از نظم سلسله‌مراتبی برخوردار است. پدر قدرتمندتر از بقیه است. بعد از او همسرش و سپس کودکان به‌ترتیب سن جای دارند.
۵	بین گروه همسالان و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.	ـ مید ـ پیاژه ـ روشه	نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. نقشهای مناسب، به‌صورت بخشی از فرایند اجتماعی شدن به فرد آموخته می‌شوند، سپس او آنها را می‌پذیرد.
۶	بین سبک زندگی والدین با میزان انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.	گیدنز	مطالعه سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها با الگوی کنش که افراد آنها را انتخاب کرده است و کنش‌شان در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود.
۷	بین میزان استفاده از رسانه‌ها و انتظارات فرزندان از والدین رابطه وجود دارد.	مک‌لوهان	او دنیای امروز را دنیای الکترونیک می‌داند. وی معتقد است محیط الکترونیکی عصر حاضر فضای قدیمی تصویری را که سالهاست به آن خو گرفته‌ایم نامطبوع و بدون ارزش خواهد ساخت.

مدل نظری

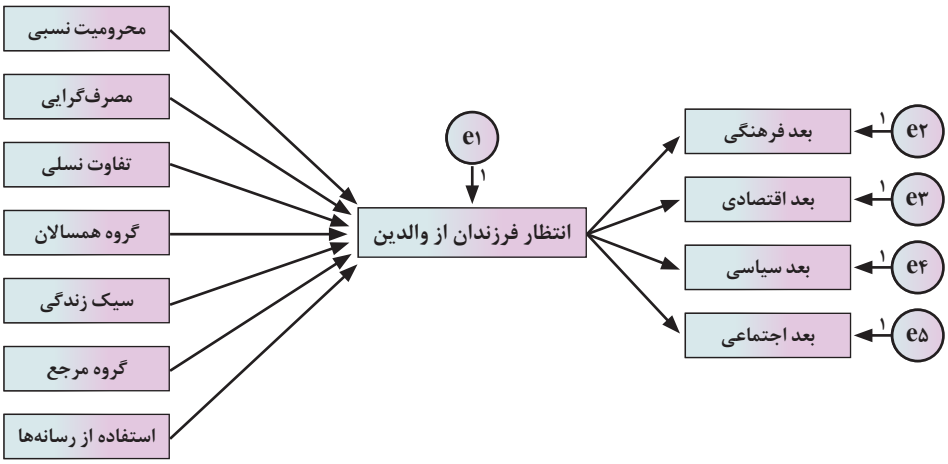

روش‌شناسی

پژوهش حاضر مطالعه‌ای مقطعی از نوع همبستگی و از نظر هدف از نوع کاربردی بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه نوجوانان ۱۸-۱۳ سال استان خراسان جنوبی بودند که مبنای جامعه آماری

سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است. بر این اساس کل جامعه آماری پژوهش ۷۵۵۶۱ نفر نوجوان بوده که بر اســـاس فرمول کوکران حجم نمونه ۵۸۰ نفر محاســـبه شده است. شایان ذکر است که برای محاسبه مقدار p و q از نتایج پیش‌آزمون اســـتفاده شده است، به این‌صورت که پراکندگی هر یک از متغیرهای موردبررســـی در پژوهش در قالب متغیر اســـمی دوگانه محاسبه شد و درنهایت با توجه به اینکه متغیر انتظارات فرزندان از والدین حداکثر پراکندگی را داشت، لذا در فرمول کوکران حداکثر پراکندگی یعنی ۰/۴۲ و ۰/۵۸ جاگذاری شـــد. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده و در مرحله نهایی افراد به‌صورت تصادفی انتخاب‌شده‌اند.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق تکمیل کردن پرسشـــنامه بود. به این ترتیب که شش نفر از پرسشـــگران آموزش‌دیده در جلســـهٔ توجیهی شرکت کردند، سپس دســـتورالعمل و راهنمای نحوهٔ تکمیل پرسشـــنامه در اختیار آنان قرار گرفت. همان‌طورکه ذکر شـــد، جامعهٔ آماری این تحقیق شامل همهٔ نوجوانان اســـتان خراسان جنوبی با دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۸ ســـال بودند. از آنجاکه اکثریت نوجوانان در این گروه سنی دانش‌آموز هستند، به‌منظور سهولت دسترسی به نوجوانان و تکمیل کردن پرسشنامه‌ها، به دانش‌آموزان پایه‌های هفتم تا دوازدهم شـــش شـــهر استان خراسان جنوبی به‌عنوان جمعیت آماری مراجعه شـــد. در بیرجند به چهار مدرســـه، در قائنات به ســـه مدرســـه، در هریک از شهرهای طبس و نهبندان به دو مدرســـه و در هریک از شهرهای فردوس و سربیشـــه به یک مدرسه در مقطع متوسطه مراجعه شد (درمجموع سیزده مدرسه). انتخاب مدارس به‌شیوهٔ تصادفی بود و بر اساس فهرست دریافتی از ادارات آموزش‌وپرورش شـــهرهای مذکور انجام پذیرفت. دانش‌آمـــوزان با همکاری مدیران و معلمان به‌شیوهٔ تصادفی ساده پرسشنامه‌ها را در مدارس تکمیل کردند.

جدول ۲. نمونه آماری پژوهش

ردیف	نام شهرستان	جمعیت ۱۸-۱۳ ساله	درصد	نمونه
۱	بیرجند	۲۴۳۹۵	۰/۴۴	۲۵۳
۲	طبس	۵۸۳۹	۰/۱۰	۶۱
۳	قائنات	۱۱۶۳۳	۰/۲۱	۱۲۱
۴	فردوس	۴۱۴۴	۰/۰۷	۴۳
۵	نهبندان	۵۵۵۳	۰/۱۰	۵۸
۶	سربیشه	۴۲۸۶	۰/۰۸	۴۴
	جمع		۱۰۰	۵۸۰

برای بررســـی انتظارات فرزندان از والدین و میزان فرزندمداری از پرسشنامۀ پانزده‌سؤالی انتظارات فرزندان از والدین استفاده شده است. این پرسشنامه را ناصری و همکاران در سال ۱۳۹۵ تهیه کرده‌اند در این پرسشـــنامه گویه‌ها براســـاس مقیـــاس پنج‌گزینه‌ای لیکـــرت از ۱تا ۵ نمره داده می‌شـــوند. در این پرسشـــنامه ابعاد چهارگانۀ انتظارات فرزندان از والدین عبارت است از: ۱. فرهنگی (چهار گویه)؛ ۲. اقتصادی (چهار گویه)؛ ۳. سیاســـی (چهار گویه)؛ ۴. اجتماعی (ســـه گویه). برای محاســـبۀ شاخص انتظـــارات فرزندان از والدیـــن، ابتدا متغیرها به متغیر فاصله‌ای تبدیل می‌شـــوند؛ به این معنا که برای گویه‌ها از ۱تا۵ نمره تعلق می‌گیرد و درمجموع نمره‌ها باهم جمع می‌شـــود و شاخص انتظارات فرزندان از والدین محاسبه می‌شود؛ بنابراین دامنۀ نمرات کل پرسشنامه میان ۱۵تا ۷۵ قرار دارد.

برای سنجش اعتبار پرسشنامه از دو نوع اعتبار صوری (نظرات اساتید راهنما و مشاور) و اعتبار سازه‌ای از نوع تحلیلی عاملی و برای محاسبۀ پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده‌شده است. به‌این‌ترتیب که پرسشنامه اولیه پس از توزیع میان ۳۰ نفر از نوجوانان بیرجند، تکمیل و مورد پیش‌آزمون قرارگرفته و اشکالات و نواقص آن مرتفع و درنهایت پرسشنامه نهایی تدوین‌شده است.

جدول ۳. محاسبه پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفا
انتظارات فرزندان	۱۶	۰/۷۲
تفاوت نسلی	۴	۰/۷۴
مصرف‌گرایی	۳	۰/۸۰
محرومیت نسبی	۴	۰/۷۲
سبک زندگی	۴	۰/۷۲
کنترل فرزندان از طرف والدین	۳	۰/۷۳
گروه همسالان	۳	۰/۷۰
استفاه از رسانه‌ها	۳	۰/۷۱

تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ در دو سطح توصیفی و تحلیلی انجام شده است. آمار توصیفی شامل محاسبه شاخصهای تمایل مرکزی و پراکندگی برای متغیرهای کمی مطالعه‌شده به‌دســـت آمد. در آمار تحلیلی، از آزمون آماری K-S برای بررســـی میـــزان انطباق توزیع متغیرهای

مطالعه شده با توزیع نظری نرمال و از آزمون همبستگی برای ارزیابی رابطه میان متغیرهای مطالعه شده اســتفاده شده است. ســطح معناداری ۰/۰۵ و درصد اطمینان ۹۵ درصد بود. همچنین برای بررسی روابط و تأثیر متغیرهای مســتقل بر وابســته از ضریب همبستگی پیرســون و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

۲۹۰ نفر (۵۰ درصد) از پاسخگویان دانش‌آموز دختر و ۲۹۰ نفر (۵۰ درصد) پسر بودند. محل سکونت ۷۵ درصد از دانش‌آموزان شــهر و ۱۳۵ نفر (۲۵ درصد) روستا بود. کمترین فراوانی معدل افراد معدل ۱۶/۱ تــا ۱۷ با فراوانی ۲۴ (۴/۱درصد) و بیشــترین فراوانی معدل افراد ۱۹/۱ تــا ۲۰ با فراوانی ۲۳۱ (۳۹/۹ درصد) است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار عوامل جامعه‌شناختی

مؤلفه‌ها	تعداد گویه	کمترین	بیشترین	میانگین	درصد	انحراف معیار
احساس محرومیت نسبی	۴	۳	۱۰	۸/۶۴	۸۶/۴	۱/۷۰
مصرف‌گرایی فرزندان	۴	۴	۲۰	۱۲/۳۹	۶۲/۰	۳/۷۰
تفاوت نسلی فرزندان	۴	۳	۱۵	۱۳/۶۷	۹۱/۱	۳/۱۲
سبک زندگی والدین	۴	۱۴	۲۰	۱۴/۴۴	۷۲/۲	۳/۸۴
کنترل فرزندان	۴	۳	۱۴	۱۰/۲۵	۷۳/۲	۲/۰۴
گروه همسالان	۴	۶	۲۰	۱۷/۳۱	۸۶/۶	۳/۳۳
میزان استفاده از رسانه‌ها	۴	۳	۱۰	۷/۳۱	۷۳/۱	۱/۹۳
میزان انتظارات فرزندان از والدین	۱۶	۴۹	۷۴	۴۷/۳۰	۵۹/۱	۵/۸۴

بر اساس جدول شماره ۴ میانگین شــاخصهای تفاوت نسلی فرزندان ۹۱/۱ درصد، گروه همسالان ۸۶/۶ درصد و احساس محرومیت نسبی با ۸۶/۴ درصد بیش از سایر متغیرهای مستقل است. به‌ترتیب متغیرهای کنترل فرزندان (۷۳/۲ درصد)، میزان استفاده از رسانه‌ها (۷۳/۱ درصد)، سبک زندگی والدین (۷۲/۲ درصد) و مصرف‌گرایی فرزندان در ردیفهای بعدی قرار دارند. میانگین انتظارات فرزندان از والدین نیز ۵۹/۱ درصد است.

جدول ۵. بررسی رابطه متغیرهای مستقل با انتظارات فرزندان از والدین

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
تفاوت نسلی فرزندان با والدین	۰/ ۴۹۵	۰/۰۰۱
مصرف‌گرایی فرزندان	۰/ ۵۴۲	۰/۰۰۰
احساس محرومیت نسبی در فرزندان	-۰/۲۹۴	۰/۰۰۱
سبک زندگی والدین	۰/۴۶۳	۰/۰۰۱
کنترل فرزندان از طرف والدین	-۰/۴۱۲	۰/۰۰۰
گروه همسالان	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۲۸۸	۰/۰۰۱

بررسی ضریب همبستگی میان متغیرهای مستقل با انتظارات فرزندان از والدین نشان می‌دهد که میان متغیرهای تفاوت نسلی فرزندان با والدین، مصرف‌گرایی فرزندان، سبک زندگی والدین، گروه همسالان و میزان استفاده از رسانه‌ها با انتظارات فرزندان از والدین رابطهٔ معنادار و مثبت وجود دارد. به این صورت که هر چه فرزندان با والدین تفاوت نسلی بیشتری داشته باشند انتظارات آنان از والدین بیشتر می‌شود. هرچه نوجوانان گرایش به مصرف‌گرایی بیشتری داشته باشند انتظارات بیشتری از پدر و مادر خود دارند. میان سبک زندگی والدین و انتظارات فرزندان از والدین رابطهٔ مثبت معنادار وجود دارد و با بهتر شدن سبک زندگی والدین، انتظارات نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. همچنین ارتباط بیشتر نوجوانان با گروه همسالان با افزایش انتظارات آنها همبستگی مثبت دارد و منجر به افزایش آنها می‌شود. هرچه میزان استفاده از رسانه‌ها در فرزندان افزایش یابد نوجوانان انتظارات بیشتری از پدر و مادر خود دارند. همچنین میان متغیرهای احساس محرومیت نسبی در فرزندان و کنترل فرزندان از سوی والدین با انتظارات فرزندان از والدین رابطهٔ معنادار و معکوس وجود دارد. به این صورت که هرچه احساس محرومیت به‌صورت نسبی در نوجوانان بالاتر باشد، نوجوانان انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. هرچه والدین سعی بیشتری در کنترل فرزندان خود داشته باشند به همان میزان نوجوانان انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند.

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه رگرسیونی فوق برابر با R =۰/۶۶۱ شده است، ضریب تبیین برابر با RSquare =۰/۴۴ و ضریب تبیین تصحیح‌شده نیز برابر با Adjusted Rsquare =۰/۴۳ است، یعنی ۴۳ درصد تغییرات مربوط به متغیر انتظارات فرزندان از والدین ناشی از تغییرات متغیری مستقلی است که در مدل نهایی باقی‌مانده‌اند. علاوه بر این، نتایج تحلیل واریانس رگرسیونی نشان می‌دهد که اثر رگرسیون یا اثر متغیر مستقل نسبت به اثر باقی‌مانده کاملاً معنادار است و میزان دوربین واتسون به‌دست‌آمده برای این مدل برابر با ۱/۶۲ است که نشانگر این است

که باقی‌مانده‌ها برای مدل رگرسیونی مستقل از هم است و مثبت بودن مقدار آزمون نشان از رابطه مستقیم و مثبت میان متغیرهای جامعه‌شناختی و انتظارات فرزندان از والدین است، غیراز کنترل فرزندان و احساس محرومیت نسبی در فرزندان که رابطهٔ آنها با انتظارات فرزندان از والدین معکوس و منفی است.

با توجه به مدل رگرسیون فوق متغیر وابسته انتظارات فرزندان از والدین بیش از هر متغیر دیگر، از مصرف‌گرایی متأثر و پس ازآن به‌ترتیب از تفاوت نسلی، سبک زندگی، احساس محرومیت، استفاده از رسانه‌ها و گروه همسالان متأثر است.آماره‌های تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس انتظارات فرزندان را از والدین و سایر آماره‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۶. آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره انتظارات فرزندان از والدین

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تصحیح‌شده	اشتباه معیار	عرض از مبدأ	آزمون دوربین واتسون
۰/۶۶۳	۰/۴۴	۰/۴۳	۷/۴	۲۶/۲۳	۱/۶۷

جدول ۷. تحلیل واریانس چند متغیره انتظارات فرزندان از والدین

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۴۵۹۴/۷	۷	۳۵۱۳/۵	۶۳/۲	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۳۱۷۱۵/۷	۵۷۱	۵۵/۵		
کل	۵۶۳۱۰/۴	۵۷۸	-		

جدول ۸. متغیرهایی که در مدل باقی‌مانده‌اند (به‌ترتیب اثر)

متغیرها	B	SEB	Beta	T	Sig
مصرف‌گرایی	۱/۲۸۶	۰/۱۱۰	۰/۴۱۰	۱۱/۶۴۴	۰/۰۰۰
تفاوت نسلی	۰/۸۰۳	۰/۱۱۹	۰/۲۵۳	۶/۷۳۱	۰/۰۰۰
سبک زندگی	۰/۲۸۶	۰/۰۵۷	۰/۱۷۴	۵/۰۶۰	۰/۰۰۰
احساس محرومیت	۰/۶۸۳	۰/۳۴۹	۰/۱۱۸	۱/۹۵۸	۰/۰۴۱
استفاده از رسانه‌ها	-۰/۴۱۰	۰/۱۶۲	-۰/۰۸۱	-۲/۵۲۸	۰/۰۱۲
گروه همسالان	-۰/۲۰۰	۰/۱۰۵	-۱/۰۶۹	-۱/۹۰۸	۰/۰۴۷
کنترل فرزندان	۰/۲۷۹	۰/۲۹۳	۰/۰۵۸	۰/۹۵۱	۰/۳۴۲

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انتظارات فرزندان از والدین (موردمطالعه: نوجوانان استان خراسان جنوبی) انجام شده است. یافته‌ها نشان دادند که میانگین انتظارات فرزندان از والدین ۵۹/۱ درصد است. این یافته با نتایج پژوهش آدام شاپیرو (۲۰۰۴) مشابهت دارد که طی آن، درجه بالایی از اختلاف میان انتظارات فرزندان و والدین وجود داشت. والدین تمایل بیشتری به داشتن ارتباط با فرزندان خود دارند، در حالی که ارتباط فرزندان بیشتر به سبب کمک گرفتن از پدر و مادرشان است. بر اساس پژوهش دانش و همکاران (۱۳۹۳) درک انتظارات نوجوانان می‌تواند در برقراری رابطه‌ای صمیمی میان والدین و نوجوانان و ایجاد تعادل در سامانهٔ خانواده مؤثر باشد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، میانگین نمرهٔ احساس محرومیت نسبی در میان نوجوانان استان خراسان جنوبی۸۶/۴ درصد به‌دست آمده است. یافته حاضر با پژوهش قدیمی و قاسمی (۱۳۹۱) همسوست که طی آن درک و تصور پاسخگویان از احساس محرومیت نسبی، در حد متوسط قرار داشت. در تبیین این یافته باید گفت که باتوجه به محروم‌بودن استان خراسان جنوبی درمقایسه با سایر استانها، احساس بی‌عدالتی و محرومیت نسبی در آن زیاد است و با نظریهٔ تدگر همسوست. طبق آن هرچه ارزشهای اقتصادی و مادی در جامعه‌ای بیشتر باشد، احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود (دانش و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش همچنین نشان داد که هرچه احساس محرومیت به‌طور نسبی در نوجوانان بالاتر باشد، نوجوانان انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته با نتایج پژوهش رستگارخالد و همکاران(۱۳۹۳) همسو است که بر اساس نتایج آن محرومیت نسبی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر بود. همچنین با نظریه وبر و یافته‌های مرادی و سعیدی‌پور (۱۳۸۹) همخوانی دارد که محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی در میان نوجوانان مؤثر باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش میان متغیرهای تفاوت نسلی فرزندان با والدین، مصرف‌گرایی فرزندان، سبک زندگی والدین، گروه همسالان و میزان استفاده از رسانه‌ها با انتظارات فرزندان از والدین رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین میان متغیرهای احساس محرومیت نسبی در فرزندان و کنترل فرزندان از سوی والدین با انتظارات فرزندان از والدین، رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد. بیشترین تأثیر را بر انتظارات فرزندان از والدین مصرف‌گرایی فرزندان و کمترین تأثیر را کنترل فرزندان دارد و پس از آن به‌ترتیب سبک زندگی، تفاوت نسلی فرزندان، احساس محرومیت نسبی و گروه همسالان بر انتظارات فرزندان از والدین مؤثر است.

بر اساس نتایج پژوهش هرچه والدین سعی بیشتری در کنترل فرزندان خود داشته باشند به همان میزان نوجوانان انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته از پژوهش با نظریه جی هیلی و یافته‌های زارعی (۱۳۸۹) همخوانی دارد که میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای فرزندان

به‌دلیل نقش برجسته و با اهمیت والدین رابطه معنادار وجود دارد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند که هرچه فرزندان با والدین تفاوت نسلی بیشتری داشته باشند انتظارات آنان از والدین بیشتر می‌شود. این یافته از پژوهش با نظریه مانهایم و یافته‌های دانش و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. نتایج پژوهش دانش و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن بود که گرایش نوجوانان و جوانان به ارزشـــهای مدرن و احساس بحران هویت ناشی از جاافتادگی آنها از نسلهای پیشین به‌مرور افزایش‌یافته است.

نتایج نشان دادند که میانگین مصرف‌گرایی پاسخگویان در حدود ۶۲ درصد است، این یافته با نتایج پژوهش حاجی‌زاده میمندی و یوسفی (۱۳۹۲) اندکی تفاوت دارد و همسو نیست. یافته‌های پژوهش آنها نشان داده که میزان مصرف‌گرایی در میان زنان شهر یزد ۲۸/۶۸ درصد و از حد متوسط پایین‌تر است. این تفاوت میانگین می‌تواند ناشـــی از متفاوت بودن جامعه آماری دو مطالعه باشـــد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، هرچه نوجوانان گرایش به مصرف‌گرایی بیشتری داشته باشند انتظارات بیشتری از پدر و مادر خود دارند.

بر اســـاس یافته‌های پژوهش، میانگین ســـبک زندگی والدین ۷۲/۲ درصد بود. میان سبک زندگی والدین و انتظارات نوجوانان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، به‌طوری‌که هرچه ســـبک و سیاق زندگی والدین بهتر باشد، نوجوانان انتظارات بیشتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته از پژوهش با نظریه زیمل و یافته‌های کیانی و صالحی (۱۳۹۸) همخوانی دارد. با توجه به اینکه میزان رابطه میان ســـبک زندگی والدین و انتظارات فرزندان از والدین معنادار است، به نظر می‌رسد والدین باید در انتخاب بهترین سبک زندگی اقدام کنند تا انتظارات فرزندان از والدین منطقی شـــود. لذا والدین با توجه به شیوه‌های تربیتی باید از خواســـته‌ها، انتظارات و روحیات فرزندان خودآگاه شـــوند تا راهی مناسب برای ارضای انتظارات فرزندان خود بیابند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، هرچه تأثیر گروه همسالان در نوجوانان بالاتر باشد، نوجوانان انتظارات بیشـــتری از پدر و مادر خود دارند. این یافته از پژوهش بـــا نظریه بروس کوئن و یافته‌های علیوردی‌نیا و ســـتاره (۱۳۹۲) مطابقت دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش آنها، پیونـــد با همسالان بزهکار به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندهٔ بزهکاری نوجوانان است. اگر والدین دوستان فرزندانشان را بشناسند، ممکن اســـت بتواننـــد روی رفتـــار بزهکارانـــهٔ فرزنـــدان اثـــری معنادار داشته باشند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داده‌اند که هرچه والدین تلاش بیشتری در کنترل فرزندان خود داشته باشـــند، به همان میزان نوجوانان انتظارات کمتری از پدر و مادر خود دارند. برای منطقی کردن انتظارات فرزندان از والدین، لازم است والدین کنترل بیشتری روی فرزندان خود داشته باشند. برگزاری بیش‌از پیش کارگاهها و جلسات آموزش مهارتهای زندگی برای همهٔ دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان دوره متوســـطه اول به‌منظور کسب هرچه بیشتر این مهارتها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد. با توجه

به اینکه رابطه میان احســـاس محرومیت نسبی در فرزندان و انتظارات فرزندان از والدین معنادار است، بایســـتی راهکارهایی مناســـب برای کاهش احساس محرومیت نســـبی پیدا کنند تا انتظارات فرزندان از والدین منطقی شود. پیشنهاد می‌شود در شبکه استانی صدا وسیمای خراسان جنوبی فیلمهای کوتاه و پویانماییهایی با موضوع ارتقای سبکهای فرزندپروری ساخته و نمایش داده شود تا انعطاف‌پذیری شناختی فرزندان ارتقا یابد. همچنین اداره آموزش و پرورش کارگاههایی به‌منظور ارتقای ســـبکهای فرزندپروری در مدارس شهرستان برای والدین به ویژه مادران دانش‌آموزان برگزار کند تا آنان توجیه شوند.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از نوجوانان یاری‌کننده در انجام این پژوهش، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

REFERENCES

بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر.

توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. *نامهٔ علوم اجتماعی، ۲۷*، ۹۵-۱۲۴.

حاجی‌زاده میمندی، مسعود و یوسفی، فریدون. (۱۳۹۲). بررسی برخی از عوامل اجتماعی مرتبط با فرهنگ مصرف در میان زنان شهر یزد. *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۶* (۶۱)، ۲۳۳-۲۷۱.

حسینی‌امین، سیده نرگس؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد و ادریسی، افسانه. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان تهرانی. *رفاه اجتماعی، ۱۷* (۶۶)، ۲۲۳-۲۵۴.

حکمت، مطهره و بهادری‌جهرمی، ثمینه. (۱۳۹۵). بررسی نظریه تفکیک نقش‌ها در خانواده. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، ۲ (۴)، ۲۸-۳۶.

دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و عبداللهی، عظیمه سادات. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ (۳)، ۱-۳۰.

رحمت‌آبادی، الهام. (۱۳۸۳). *سبک زندگی و هویت اجتماعی (مصرف و انتخاب سلیقه‌ای، شالوده تمایز اجتماعی در دهه اخیر)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم و اسماعیل‌بیگی، معصومه. (۱۳۹۳). ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳ (۳)، ۴۷۳-۴۹۵.

رشیدپور، ابراهیم. (۱۳۹۰). *آیینه‌های جیبی آقای مک‌لوهان*. تهران: سروش.

روشه، گی. (۱۳۹۶). *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۲).

زارعی، اقبال. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۸* (۳)، ۲۲۰-۲۲۴.

ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.

سام‌دلیری، کاظم. (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت‌گر. *فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶* (۴)، ۸۱۳-۸۲۶.

عابدین‌زاده، علیرضا؛ محمدی، اصغر و جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۹). بررسی رابطهٔ احساس محرومیت نسبی نوجوانان با انتظارات آن‌ها از والدین. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۲۲۸.

علیوردی‌نیا، اکبر و ستاره، سیمین. (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده، مدرسه و گروه همسالان در بزهکاری دانش‌آموزان. *جامعه‌پژوهی فرهنگ*، ۴ (۴)، ۷۹-۱۰۳.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، ج۱. تهران: نشر صبح صادق.

قدیمی، مهدی و قاسمی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاههای شهر زنجان). *فصلنامه علمی دانش انتظامی زنجان*، ۱ (۴)، ۱-۲۹.

کامران، مینا. (۱۳۸۱). هفته‌نامه آتیه. ۲۲مردادماه، شماره۳۷۶ ، سال نهم.

کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۸۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

کیانی، مژده و صالحی، خدیجه. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی جانبازان جنگ تحمیلی شهر نجف‌آباد. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۰ (۱)، ۱۴۵-۱۶۰.

کیویستو، پیتر. (۱۳۹۷). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۴۸).

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *جامعه شناسی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی، چاپ بیست و ششم (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۶).

لبیبی، محمدمهدی. (۱۳۹۳). *خانواده در قرن بیست و یکم*. تهران: انتشارت علم.

لنسکی، گرهارد و نولان، پاتریک. (۱۳۸۳). *جامعه‌های انسانی: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان*، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۵).

مرادی، گلمراد و سعیدی‌پور، بهمن. (۱۳۸۹). بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۷* (۲)، ۱۹۱-۱۶۳.

معیدفر، سعید. (۱۳۸۷). مشکل استقلال جوانان و تأثیر آن در نگرشهای سیاسی آنان. مجموعه *مقالات و گفت‌وگوها «امروز و فردای جوان ایرانی»*. انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه انسانی.

معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۰). تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی. *نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳ (۷)، ۶۷-۹۷.

مهدوی، محمدصادق و غنیمی، حسن. (۱۳۸۱). فرزندسالاری. *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵، ۸۵-۱۱۵.

ناصری، سهیلا؛ ساروخانی، باقر؛ وحیدا، فریدون و بهیان، شاپور. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران. *فصلنامه علمی- پژوهشی توسعه اجتماعی*، ۱۰ (۵)، ۱۰-۳۲.

Sattar, T., Yasin, G., Fani, M. I., & Azal, S. (2010). Determinants of generation gap among parents and children in Multan city, Pakistan. *International Research Journal of Finance and Economics*, *60*, 94-101.

Shapiro, A. (2004). Revisiting the generation gap: Exploring the relationships of parent/adult-child dyads. *The International Journal of Aging & Human Development, 58*(2), 127-146.

Quarterly Journal of
Education

Social Factors Affecting Children's Expectations from their Parents: The Case of Adolescents of South Khorasan Province*

A. R. Aabedinzaadeh[1] ◉ A. Mohammadi, Ph.D.[2] ◉ E. Jahaanbakhsh, Ph.D.[3]

Abstract

Based on the theory of Relative Deprivation, children who feel relatively deprived have lower expectations from their parents. To discover what factors affect the parents-related expectations of adolescents in South Khorasan Province, a cluster sample of 580 students, aged 13-18 years, was given a questionnaire of assumed validity and reliability on deprivation and expectation. Data analyses revealed that mean scores on generational gap, peer group, and sensing relative deprivation are higher than other factors, i.e. parental control over children, media usage, parental life style, and children's consumerism. While the mean score for expectation was 59.1, it showed a positive and significant correlation with generational gap, children's consumerism, parental life style, peer group, and media usage. The correlation between expectation and relative deprivation and parental control of children was significantly negative

Keywords: **children's expectation from parents, consumerism, generational differences, life style, peers**

Date Received: March 10, 2021 **Date Accepted:** Aug. 28, 2021

**This article is derived from the first author's Doctoral Dissertation.*

1. Ph.D. in Sociology, Islamic Azad University, Dehaqan Branch, Dehaqan, Iran.
E-mail: R156_156@yahoo.com
2. **Corresponding Author:** Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, Dehaqan Branch, Dehaqan, Iran.
E-mail: Asghar.mo.de@gmail.com
3. Retired Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Dehaqan Branch, Dehaqan, Iran.
E-mail: esjahan@yahoo.com